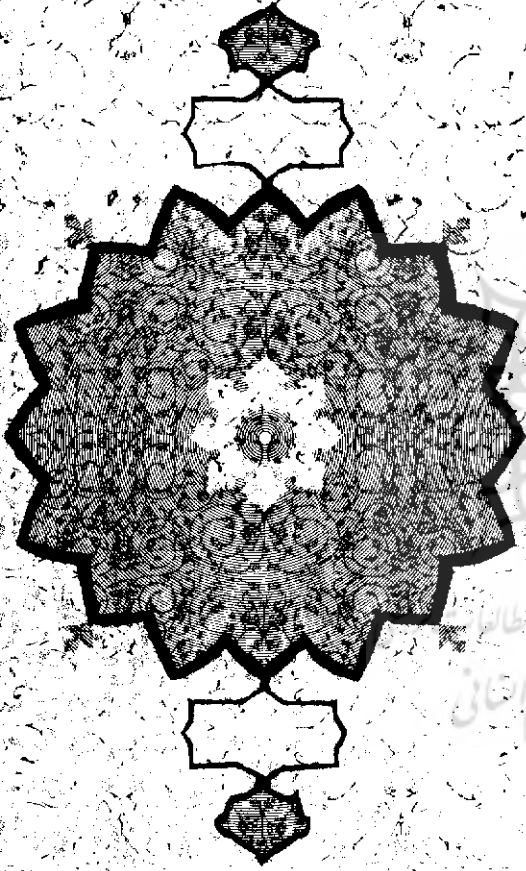


اسناد منتشر شدہ سیاسی

مربوط بہ

وزارت امور خارجہ

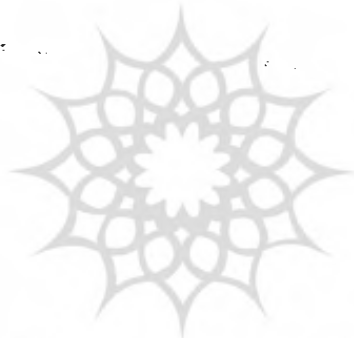


پرویش گاہ علوم انسانی
پرتال جامع علوم انسانی

از

محمد علی کریم زادہ تبریزی

پروف. کتابخانہ مدرسہ لہندہ قسم



پروف. شکر شاہ علمیات انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

از : محمد علی کریمزاده تبریزی

اسناد منتشر نشده سیاسی

مربوط به

وزارت امور خارجه

مقاله کاتبخانه مدرسه لجنه فیه

در میان اسناد و مدارک تاریخی آرشیو خصوصی موجود در مجموعه اینجانب اسناد ارزنده‌ای که نشان دهنده وضع بعضی از امور مملکتی در عصر خود باشد دیده میشود که ارائه و چاپ هر یک از آنها نمایانگر اطلاعات ذیقیمت مربوط به ادارات مختلفی است که امروزه در محیط وسیعی پراکنده شده‌اند.

این اسناد از روی تاریخ و عصر سلطنت و حکومت هر پادشاه و حاکمی رده‌بندی شده و منظم گردیده است. درورای این تقسیم‌بندیها جهت سهولت استفاده بموقع از هر سند یا فرمانی، در حد اسمی مربوط به هر یک از وزارتخانه‌ها شماره‌گذاری شده و در صورت لزوم مدارک مربوطه بسادگی در اختیار قرار میگیرد.

در مقاله حاضر که حاوی اسناد زیادی مربوط به وزارت امور خارجه میباشد و تاکنون این اسناد در جایی چاپ و منتشر نشده است، در مرحله نخست عقیده بر این بود که جهت روشن شدن مطالب سیاسی و عمومی هر سند و نوشته‌ای بسط و شرح کاملی داده شود که خوانندگان گرامی مجله را از مراجعه بکتابها یا مدارک

دیگری بی نیاز کند ولی جهت تسریع کار و نشر مداوم این اسناد پیروی از خلاصه نویسی کرده و در مراحل سعی شده است که جهت اطلاع بیشتر خوانندگان عزیز در شروع قرائت، هر سند مختصر شناسائی شده و برداشت وسیع در سطح بیشتر هر نوشته را موقوف به علاقه علمی و اندیشمندی قرائت کنندگان مجله بنمائیم .

اینک در مورد سند شماره ۱ که مربوط بوظایف وزیر دول خارجه در مواقع رسمی و غیررسمی است بشروع مطلب می پردازیم در ضمن قرائت این سند بنام میرزا سعیدخان که وزیر دول خارجه وقت بوده برمیخوریم که بحدس قوی در زمان او این مقررات تدوین شده و در حاشیه بعضی سطور بخطوی اصلاحاتی شده است. بطوریکه میدانیم میرزا سعیدخان در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار پس از فوت میرزا محمدعلی خان شیرازی در ربیع الثانی سال ۱۲۶۹ رسماً بوزارت امور خارجه منصوب شده و مدتی در این سمت باقی بوده است و عاقبت در سال ۱۲۹۰ جای خود را بمشیرالدوله داده و بشغل دیگری منصوب گشته است .

میرزا سعیدخان شخص فاضل و خوش خطی بوده و وفات او در سال ۱۳۰۱ در تهران اتفاق افتاده است.

سند شماره ۱

قوانین راجع به وزیر امور خارجه

وزیر دولت خارجه دو قسم وقت دارد وقت منصبی و وقت شخصی .

وزیر دولت خارجه وقت شخصی خود است ولیکن وقت منصبی مال دولت است و هیچ نسبتی بمیل شخصی وزیر ندارد .

تقسیم وقت وزارت از اینقرار است

وزیر دول خارجه بغیر از دو روز تعطیل هفته باید هر روز بدرج خانه برود.

وزیر دول خارجه بااتباع وزارت باید دوساعت بظہر مانده در وزارتخانه حاضر باشند .

وزیر دول خارجه در درج خانه چهار قسم کار دارد .
 مراوده سفرا - مطالب مردم - امور درونی وزارت - عرایض حضور اقدس شاهنشاهی این چهار قسم کار را وزیر دول خارجه باهم مخلوط نخواهد کرد .

سه روز هفته که عبارت از روز شنبه و سه شنبه و پنج شنبه باشد مخصوص مطالب مردم است موافق ترتیب ذیل در این سه روز وزیر دول خارجه باید بدون تخلف دوساعت بظہر مانده در اطاق پذیرائی خود حاضر باشد تاظہر بمطالب مردم برسد در این دو ساعت هیچ کس داخل اطاق پذیرائی نخواهد شد مگر باشاره وزیر .
 در این دوساعت هرگز در نزد وزیر دوفتر نخواهد بود مگر بحکم ضرورت .

در این دوساعت وزیر دول خارجه نه غلیان خواهد خواست نه چیز خواهد خورد و نه از اطاق بیرون خواهد رفت . در این دوساعت هرکس باطاق وزیر داخل شود باید بلا درنگ بلکه ایستاده مطالب خود را بدون زواید خارجه بیان بکند .

وزیر دول خارجه بدون هیچ تعارف بلکه بدون جواب سلام مطالب عارض را جواب خواهد گفت .

هرگاه جواب مطالب عارض محتاج به تحقیق باشد جواب او محول بیک وقت معین خواهد شد .

در این دوساعت وزیر دول خارجه نباید مشغول هیچ کار مخصوص

باشد نباید چیز بنویسد نباید معطل کسی باشد - نباید مشغول تحقیقات باشد این دو ساعت از برای گذران کار نیست فقط از برای شنیدن عرایض و جواب مطالب است.

در این دو ساعت پیش‌وزیر چیزی نباید باشد مگر قلمدان و یک ورق کاغذ بجهت یادداشت وعده‌ها هرکس پس از شنیدن جواب از اطاق بیرون نرود وزیر بلا تامل عذر او را خواهد خواست. وزیر دول خارجی در اطاق پذیرائی بمطالب غیرمنصبی خود گوش نخواهد داد.

روز چهارشنبه آن دو ساعت قبل از ظهر بهمین ترتیبی که عرض شد صرف کارهای سفرای خارجی خواهد شد.

لازم نکرده است که از برای هر یک از اتباع سفرا وقت مخصوص معین شود بهمین ایشان اعلام خواهد شد که هر روز چهارشنبه دو ساعت قبل از ظهر وزیر دول خارجی خود منتظر مأمورین خارجی خواهد بود و این مأمورین بهر ترتیبی که وارد اطاق انتظار بشوند بهمین ترتیب نیز داخل اطاق پذیرائی خواهند شد و اگر کارهای مطول داشته باشند گفتگوی آنها محول به مجلس مخصوص خواهد شد معلوم است که این مجلس مخصوص دو ساعت آخری خواهد بود در این مدت هفت ساعت در بخانه هیچ‌یک از اجزای وزارت هیچ چیز نخواهند خورد - اوضاع نهار ابداً دیده نخواهد شد - هیچکس از غربا داخل اطاق اتباع نخواهد شد - وزیر دول خارجی امور منصبی را هرگز رجوع بخانه خود نخواهد کرد.

وزیر دول خارجی در هر اطاقی که باشند دو نفر قراول خوش لباس و معقول بردر آن اطاق خواهند ایستاد هر وقت کسی بدون اذن وزیر داخل اطاق شود قراولان در تنبیه مضبوط شوند.

وزیر دول خارجی چهار نفر پیش خدمت خوش ترکیب خواهد

داشت که نوکر وزارت محسوب خواهند شد و بجز این چهار نفر پیش خدمت هیچ نوکر دیگر داخل اطاق وزیر نخواهد شد .
 جمیع نوشتجات وزارت دول خارجه بريك كاغذ مخصوص و موافق يك تركيب معين خواهد بود وزیر دول خارجه مختار خواهد بود که شخصاً هر لقبی که بمردم میخواید بدهد ولیکن در نوشتجات منصبی به هیچ لقب نخواهد نوشت مگر لقب منصبی مثلاً اگر به سرتیپ بنویسد خواهد گفت آقا سرتیپ و اگر بمستوفی بنویسد خواهد گفت آقا مستوفی و اگر کسی هیچ لقب منصبی نداشته باشد. باو خواهند نوشت آقا - یا تنها اسم او

در حاشیه که گویا بخط وزیر امور خارجه می باشد چنین اصلاح شده است (لفظ آقا را می توان تغییر داد)
 مطلب کاغذ در هر جا که تمام شود کاغذ هم در آنجا تمام شود -
 الفاظ بی معنی در نوشتجات نباشد در این مورد نیز در حاشیه چنین یادداشت شده است .

(نظر فیض منظر هیچ معنی ندارد - مناعت و بنالت اکتناه حرف لغوی است - عالیجاه رفیع جایگاه حرف قبیح است) روز شخصی وزیر دول خارجه دوشنبه است - در روزنامه اعلان خواهد کرد که هر کس بخواید از جناب میرزا سعید خان دیدن بکند روز دوشنبه از ظهر تا غروب جناب مشارالیه را در خانه خود خواهد یافت . بنا بر این وزیر دول خارجه در روز دوشنبه تا غروب در منزل خود مردم متفرقه را پذیرائی خواهد کرد در این مدت پذیرائی ابداء حرف کار بمیان نخواهد آمد - وزیر دول خارجه قلمدان و کاغذ نخواهد دید حرف مخفی و خلوت گوشه ای نخواهد داشت - هر کس میخواید از وزیر دول خارجه تملق بگوید یا کمالات شعری بخرج بدهد .

یا حسن خط بنماید یا لطیفه گوئی بکند در این مجلس دوشنبه حاضر باشد .

وزیر دول خارجه عوض اینکه هرروز بمردم نمهاربدهد - هفته ای يك شب مجلس شب نشینی فراهم خواهد آورد در این مجلس شب شام نخواهد بود مهمانها شام خورده خواهند آمد مهمانها نباید همه بالباس رسمی بیایند - مهمانها هرکدامی بر يك نقطه مخصوصی نخواهند نشست در مجلس بالا و پائین نخواهد بود .

در جنب اطاق پذیرائی وزیر يك اطاق انتظار خواهد بود - اطاق انتظار باید بقدر امکان مزین و باصفا و قابل نشیمن هر نوع اشخاص باشد در این دو ساعت هرکس بخواند وزیر رابه بیند باید برود باطاق انتظار دو پیش خدمت مخصوص بر در اطاق انتظار بر يك نقطه معین خواهند ایستاد هرکس وارد اطاق انتظار شود یکی از پیش خدمت ها اسم او را خواهد نوشت و پیش وزیر خواهد برد .

وزیر دول خارجه اشخاص اطاق انتظار را به ترتیبی که وارد شده اند يك بيك بدون تخلف ترتیب خواهد خواست هیچ نوکر و هیچ يك از اجزای وزارت داخل اطاق پذیرائی نخواهد شد .

بعد از انقضای دو ساعت وزیر دول خارجه بلا تخلف از اطاق پذیرائی بیرون خواهد رفت و دیگر در آن روز بار بارجوع نخواهد پرداخت بر سر ظهر پیش خدمت انتظار اشخاص اطاق انتظار را باکمال احترام از اطاق بیرون خواهد کرد .

در همین سه روز مذکور وزیر دول خارجه بر سر ظهر وارد اطاق کار خود خواهد شد و تا دو ساعت مشغول امور درونی وزارت خواهد شد .

در اطلاق کار هیچکس داخل نخواهد شد مگر اجزای وزارت. هیچ یک از اجزای وزارت بدون کار در اطلاق کار وزیر نخواهد نشست.

وزیر دول خارجه با هیچ یک از اتباع خود فرمایش نخواهد کرد مگر در اطلاق کار.

اتباع وزارت به وزیر هیچ عرض نخواهد کرد مگر در اطلاق کار. دو ساعت بعد از ظهر مشغولیت درونی وزیر باید حکماً تمام شود.

بعد از این دو ساعت وزیر دول خارجه تا سه ساعت دیگر در درب خانه خواهد بود.

از این سه ساعت یک ساعت را در حضور اقدس همایون شاهنشاهی خواهد بود.

و دو ساعت دیگر را مشغول آن کارها خواهد بود که محتاج مجالس مخصوص است مثلاً آن مطالبی که در اطلاق پذیرائی ذکر شده و انجام آنها موقوف بحضور اشخاص مختلف است در همین دو ساعت آخری فیصله خواهند داد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پنج ساعت از ظهر گذشته وزیر دول خارجه با جمیع اتباع وزارت از کار خود بکلی آزاد و مرخص خواهند بود.

دیز لکڑیہ قسم دروازہ درختیہ درختیہ درختیہ
دیز لکڑیہ حصار درختیہ درختیہ درختیہ درختیہ

نقشہ دروازہ درختیہ

دیز لکڑیہ حصار درختیہ درختیہ درختیہ درختیہ

دیز لکڑیہ حصار درختیہ درختیہ درختیہ درختیہ

دیز لکڑیہ حصار درختیہ درختیہ درختیہ

سرکارہ نوا

مطالعہ محکم

امور درختیہ درختیہ

معاونت محکمہ درختیہ

ایر جہاد قسم درختیہ درختیہ درختیہ

سہ روز ہفتہ درختیہ درختیہ درختیہ درختیہ

درختیہ

در این سه مورد ذریه قرار ده به همان کشف حقیقت نظر بنده در اطاق میرزا فتح محمد حاجی

بهر مطابقت معنی

در این جواب همگی در اطاق میرزا گلعلی کمرشاده ذریه

در این جواب بر آن در ذریه در نظر گلعلی کمرشاده

در این جواب ذریه قرار ده به همان معنی است نه چیز غلطه خورد دهنه از اطاق برودن غلطه رفت

در این جواب هر کس اطاق ذریه در شرف به یاد آید بلکه استقامت مطابقت برودن از یاد خاربه سالی

ذریه قرار ده بدون معنی شرف بلکه بدون جواب عدم مطابقت عاری سو جواب غلطه گفت

هر گاه جواب مطابقت عاری معنی تحقیق باشد جواب در محول یک در معنی غلطه

در این جواب ذریه قرار ده به معنی شرف کما تحقیق باشد نه به غیر بر نه نباید مطابقت کنایه

مشهد کفایت این جواب در جمله که زمان کما نیست فقط از بر استینان عوالم و جواب مطابقت

در این جواب پیش ذریه نیز نباید معنی که قلمدان و یک روزی کاغذ بکنه با او است و عدد

هر کس پس از استینان جواب از اطاق برودن خورد ذریه بلا نام عدد از جواب است

ذریه قرار ده در اطاق میرزا محمد غفر منصفی کاش غلطه دارد

در چهارشنبه آن روز قدر از نظر بهمان ترتیب موعود شد حرف کار با نفع خاص

نخله است لازم همه آن روز بفرمایید از آنجا که مفروض معین شد

بهمه ایشان اعلام نخله است هر روز در چهارشنبه هر که قدر از نظر روز چهارم در اطاق

نخله نظر نماید در خارج نخله بود و این امر هر روز مقرر در اطاق نخله است

بهمان ترتیب نیز در اطاق بزرگ نخله است و اگر کارها مطلقاً در نخله نباشد

انها محمول بر نفس نخله است معذور است در این مجلس مخصوص در هر روز

نخله بود

در آمدت هفت عشر درگاه همسنگ در اعلام وزارت شرح نیز کلمه خود

ادوضع آنها را ابتدا دیده کلمه است

همچنین از خواب و اضرا اطاق اتباع نخله است

در روز چهارم هر که در نخله بود هر که در نخله بود

صفحه سوم سند شماره ۱

دوره‌ها در هر اطاق هر نوبه دو نفر و اول خوش لبی و معقل بردان اطاق خوابگاه

بر روی مکتب بردان ازین دوز در هر اطاق شش فراوان در شبه مضبوط شدند

دور از هر اطاق چهار نفر نشینت خوش لبی و یک خفیه داشت هر کس که از اطاق محراب حلقه نمی

دو جوانم چهار نفر نشینت بر سر کلاه در هر اطاق دوزر خفیه داشت

صفحه چهارم سند شماره ۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

جميع دستجات وزارت در لارده بر یک کاغذ مخصوص در موانعی بود

تربک مسین خله بود

وزیر لارده می رخله هو رشتا هر بقدر هر مردم مخلصه بود لیکن در دستجات

منصب به کسی هیچ لقب خله داشت که لقب منبر شده اگر به ارباب برده بود کوفت
نظا و سیدان

لا تربک و اگر منبر برده خله کوفت لا منبر و اگر هیچ لقب منبر

نداشت هیچ لقب خله داشت لا با تنها اسم بود

مستطیل کاغذ در هر جا به تمام کوفت کاغذ هم در اینها تمام کوفت

انقطاع به منبر در دستجات می باشد

نظا و سیدان
منبر برده کوفت
لا تربک و اگر منبر برده
خله کوفت لا منبر
و اگر هیچ لقب منبر

در ششم دوز در راه ششم است

در دوازدهم اسلام خلیفه بود هر کسی بخلفه درین مریه و بوعه خان این کینه آورد ششم

در دوازدهم عروق است راه در خانه کجی خلیفه است تا بر این دوز در راه دوازدهم

در دوازدهم عویب در منزل کجی هم معروفه پذیرا خلیفه در امتت میرا اندازد

عویب کار میان خلیفه دوز در راه بقدر این خانه کجی دید جوف کفر و فحش کرد

کلیه داشت هر کسی منجمله از دوز در راه شش کوبه با کلمات شعر بر کجی بیاید

با حسن خطبانه با لطف کوبه خانه در این مجلس دوازدهم صریح

دوز در راه شش کوبه هر دوازدهم نام برده هم بنفشه شد حمد ششم دوازدهم خواند

در این مجلس شش نام خلیفه بود اما نام نام خوانده خلیفه بود

اما نام نام همه با لیس در مجلس

اما نام هر کس بر یک نقطه کف خلیفه شد در مجلس با لیس در این مجلس خلیفه بود

در صحت اطلاق بیزا در زیر یک اطلاق اظهار جمله بود

اطلاق اظهار به قصد امکان برین دو، صفا و قاف نشین هر نوع اطلاق

در این صحت هر کس جمله در زیر میسند به برد اطلاق اظهار

در این صحت مخصوص بر در اطلاق اظهار بر یک نقطه معین جمله است که هر کس دارد اطلاق

اظهار شود یا از پیشه نهادیم از جمله دشت پیش در زیر جمله بود

در زیر هر نامی اطلاق اظهار بر هر چه در دارد که یک یک بدین تلف بر

خواهد بود

است و در هیچ یک از افعال و ذرات در اطلاق بیزا جمله بود

مقدار نقصان در صحت در هر چه بد تلف در اطلاق بیزا بر این جمله است و در در این

بارت روح جمله بود

بر هر چه نیست اظهار نامی اطلاق اظهار بر کمال احترام در اطلاق بر این جمله بود

در همین سه روز که در دوزخ قرار می‌گیرد بر سر نه در در اطاق کار خود خفته و

تا حرکت مغز او در دوزخ درازت خفته

در اطاق کار همسایه در خفته که بعد از درازت

همسایه در اطاق درازت به این کار در اطاق کار در دوزخ خفته

دوزخ که در سه تا یک روز است و در اطاق کار در اطاق کار

اتباع درازت در دوزخ و در اطاق کار در اطاق کار

در حرکت بعد از درازت در دوزخ که در اطاق کار

بعد از آن در حرکت در دوزخ که در اطاق کار در اطاق کار

در اطاق کار در حرکت در دوزخ که در اطاق کار در اطاق کار

در حرکت در دوزخ که در اطاق کار در اطاق کار در اطاق کار

بجز آن که در دوزخ که در اطاق کار در اطاق کار در اطاق کار

بجز آن که در دوزخ که در اطاق کار در اطاق کار در اطاق کار

سند شماره ۲

سند شماره ۲ که مارك رسمی وزارت امور خارجه را دارد شیر درحالت نشسته دیده میشود.

این برگ مقررات و تشریفات بازدید ناصرالدین شاه از وزارت امور خارجه بوده که ارائه آن بازگویی مطالب جالب و تازه‌ای است که در آن زمان معمول بوده است.

بغیر از مطالب متنوعی که این سند در بردارد موضوع پیش‌کش و پا انداز است که گویا این مبلغ قابل توجه از بودجه شخصی وزیر امور خارجه تامین می‌شده است.

محل شیروخورشید (نشسته)

وزارت جلیله امور خارجه دولت علیه ایران

۳ بغروب مانده

مورخه ۱۳ شهر محرم الحرام سنه ۱۳۰۱

صورت دستور العمل تشریف فرمائی ذات مقدس اعلیحضرت کیوان رفعت همایون صاحبقرانی روحانفداه در دربار اعظم در بالاخانه مخصوص وزارت امور خارجه (تعیین وقت منوط به اراده علیه همایونی است).

در روز تشریف فرمائی اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه اولاً باید از پله هشت باغ همایون الی درب اطاقهای وزارت جلیله امور خارجه اعم از پله و ایوان بالاخانه تماماً پارچه کوبیده شود که بجای فرش باشد بیناغبان باشی خبر خواهند کرد که باندازه جلو ایوان بالاخانه گلدانهای گل بیاورد بچیند بعد از تشریف بردن ذات مقدس همایون بجای خود عود شود.

خود جناب مستطاب اجل یا هرکس که صلاح بدانند قبل از

تشریف فرمائی ذات همایون در درب باغ منتظر قدم میمنت لزوم خواهند گردید اول که بیالاخانه تشریف می آورند عرض خواهد شد که بیالاخانه دفتر اعظم نزول اجلال فرمایند در اطاق دفتر ثبت و ضبط غیر از اجزاء مخصوص آنجا احدی حق حضور نخواهد داشت مگر شخص جلیل حضرت اجل دامت شوکته اسامی اجزاء دفتر را قبل از وقت باید دیده و تذکره بدهند اجزاء دفتر هر کدام در جای معین خودشان در سر میز کار خواهند ایستاد و از محل خودشان حرکت نخواهند کرد .

کسانیکه در اطاق دفتر حاضرند ابدأ صدائی بلند نخواهند کرد و نپرسیده مطلبی نخواهند گفت مگر چیزی را که جناب مستطاب اجل از اجزاء حاضره دفتر سؤال فرمایند .

در روی میز مخصوص دفتر هر قدر که حضرت اجل صلاح بدانند پیش کش و پانداز گذاشته خواهد شد وجود مسعود مبارک پس از ملاحظه دفتر از اطاق دفتر داخل اطاق اول که میز دفاتر است خواهند شد و پس از آن با اطاق بزرگت که میزهای ادارات است تشریف فرما خواهند گردید .

در اطاق دفتر و ادارات احدی بجز رؤسای میزها داخل نمیشود رؤسا هر یک در سر میز خودشان خواهند ایستاد اسامی اجزاء هر دفتر و اداره در سر میز خود گذاشته خواهد شد و خود اجزاء با لباس های نیم رسمی در اطاق های پائین حاضر خواهند بود که لدی الاقتضا بجا کپای همایون احضار شوند .

هر کس که لباس نیم رسمی نپوشیده باشد حق حضور در بخانه نخواهد داشت .

در روی میزها کتابچه و کاغذ و پاکت و دوات و غیره مرتباً گذاشته خواهد شد که منقصتی نداشته باشد در اطاق آخر که

مخصوص حضرت اجل است برای استراحت وجود همایون صندلی و میز گذاشته خواهد شد و در این اطاق لازم است پیشکش و پا انداز حضرت اجل هر قدر صلاح بدانند برای تقدیم حاضر شود دونفر معین خواهد شد که واسطه پیغامات و تحقیقات از ادارات خمسه و دفاتر خمسه و دفتر اعظم شود و بجز آن دونفر حق حرکت و تکلم احدی نخواهد داشت .

معمدی السلطان امین حضرت و قهوهچی باشی اخبار خواهند شد که از آبدارخانه و قهوهخانه مبارکه چای و قهوه و غلیان قبل از وقت تهیه شود با تحصیل اجازه از خاکپای جواهرآسای همایون همچنین بجناب جلالت مآب عضدالملک که شیرینی آلات و عصرانه حاضر نمایند اگر اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایون صاحب قرانی روحی و ارواح العالمین فداه مرخص فرمایند .

نوکرهای مخصوص حضرت اجل بجز چهار نفر که جناب مستطاب مشخص خواهند فرمود دیگری بیالاخانه نخواهد آمد چهار نفر قاپوچی از قاپوچی باشی باید خواست که دونفر در درب هشت پله باغ و دونفر دیگر در پله بالاخانه حیاط تخت مرمر بایستند که هر کس بخواهد بیاید مانع شوند .

دالان و پله سمت حیاط مرمر مفروش و در صورت صلاح پارچه کوبیده شود که اگر وجود مسعود همایونی در مراجعت از آن راه تشریف فرما شوند نیز مزین و آراسته باشد .

تمام چلچراغها و دیوارکوبها را شمع گچی خواهند زد هر سه اطاق حضرت اجل باید مفروش و مزین بروفروش و قالیچههای اعلی باشد .

میرزا مهدی خان مهندس نقشه خیالی عمارت بنیه در روی

ستون‌های سنگی واقعه در حیاط دیوان خانه را قبل از وقت در روی میز حاضر خواهد کرد .

هر اداره و دفتری کتابچه دستورالعمل خود را جلد کرده در سر میز خواهد گذاشت اگر خاطر مهر مظاهر همایونی علاقه‌گیرد که اجزاء وزارت خارجه بتمامه شرفیاب حضور شوند اداره به اداره دفتر بدفتر یکنفر یساوول یا فراشباشی وزارت خارجه باطاق حضور خواهد آورد همینکه آنها مرخص شدند و رفتند دسته دیگر را بیاورد نباید اجماع‌کنند و اطاق را تنگ نمایند .

معمدالسلطان میرزا مهدی‌خان نایب‌الوزاره حاصل‌کمیسیون اجزاء وزارت خارجه را قبل از وقت حاضر نمایند که لدی‌الضروره مراتب خدمات هرکس بحضور همایون عرض شود .

جناب صدیق‌الملک در هر موقعی در حضور شخص جناب مستطاب خواهند بود و نباید انفراد حاصل نمایند در زمان تشریف فرمائی وجود همایونی از وزارت خارجه بعمارت سلطنتی احدی از محل خود حرکت نخواهد کرد و هرکس بجای خود خواهد ایستاد چاکر فدوی خانه‌زاد مصطفی .

در قسمت بالا و سمت چپ این نوشته گویا بدستور وزیر امور خارجه و بخط منشی وزارت امور خارجه این نظرات اضافه شده است که اشخاص مطمئن و مورد نظر تعیین شده است .

محل خط جناب مستطاب بسیار صحیح است و پیش‌کش‌ها و پانداها را حسن‌خان حاضر نماید . دوتفر واسطه احکام جناب صدیق‌الملک و نایب‌الوزاره میرزا نصراله‌خان .

چهارنفر آدم مخصوص فیروزخان - محمد حسین‌خان - جوادخان - حسن‌خان .

سند مسئله استرآباد

این سند مربوط به حضور دوفروند از کشتی‌های روسی در منطقه عاشوراده در بحرخزر بود که مرحوم حاجی میرزا آقاسی در زمان صدارت خود جهت تنبیه ترکمانهای یاغی از دولت روس به امانت خواسته است شاید بخیال خود ترکمانان را میخواست به بدین وسیله تنبیه و تأدیب نماید ولی مهمانان خانه میزبان را خوش دیده و خیال تصاحب خانه را نیز داشته‌اند درسطور بعد ضعف دولت مرکزی بطور وضوح آشکار شده و دربرگرداندن کشتی‌های روسی بخانه خود تعلق و مماشات شده است .

مسئله استرآباد

سند شماره ۳

در باب مسئله استرآباد که حسب الامر الاقدس الاعلی مقرر شده بود این چاکران حضرت [گویا] سپهر بسطت (لایقرا) همایون نشسته غور و تأمل در اطراف کار نموده حاصل خیالات خود را بعرض حضور مبارك رسانند از این قرار جسارت بعرض مینمایند که در سه روز متوالی جمیع نوشتجات متعلقه باین کار از وقتی که بنای آمدن کشتی‌های جنگی روس بدریای استرآباد شده است تا حال بتفصیل خوانده شد اولاً حاجی میرزا آقاسی مرحوم کشتی‌ها را در اوقات شورش و یاغیگری ترکمان‌ها از دولت روس بطور امانت خواسته است که دوفروند کشتی بدهند دولت علیه تنبیه ترکمانهای یاغی را نماید آنها کشتی را فرستاده‌اند و بنای اقامت در آنجا گذاشته بصدد تصرف عاشوراده افتاده‌اند بعد از آنکه دولت ملتفت بخیال روس ومضرت این کار شده کاغذها بسفارت روس و پطرپورغ

نوشته مراجعت کشتی‌ها را مطالبه کرده از اصرار و ایستادگی بقدر امکان مضایقه نکرده‌اند لیکن جواب هر يك از کاغذها چه از پتربورغ و چه از سفارت روس یکی از دیگری سخت‌تر رسیده برای مقصود دولت حاصلی نداده سهل است که باشکال کار این طرف و استقرار کار آنها افزوده است اما يك فایده از این مباحثات بنظر چاکران آمد که اگر آن سختی‌ها نبود شاید مقصود روسها در استرآباد زیاده بر این‌ها از پیش می‌رفت این همه کاغذها از روزاول تا کنون جمعاً در يك رشته مطلب رد و بدل شده است که اولیای دولت علیه خواسته‌اند روسها در کار ترکمان دخل و تصرف نمایند آنها گوش نداده بر اصرار خودشان افزوده‌اند گاهی بعزل حکام گاهی باحضار خوانین انزانی بطهران گاهی بکاغذ نوشتن بحاجی میرزا آقاسی و باصاحب منصبان سفارت فرستادن و ترضیه خواستن و گرفتن کار خود را از پیش برده‌اند.

لیکن از این طرف هم از جنگ گریز کاغذی مضایقه نشده است اگرچه مقصود روسها معلوم است که تادر قوه دارند دست از این کار نخواهند برداشت لیکن از آنجا که نمی‌توان از حقوق دولت صرف نظر نمود بنظر چاکران چنین میرسد که يك مجلس مخفی حرف زدن بارالین سن صاحب خالی از مصلحت نیست اگر رأی جهان‌آرای اقدس همایون علاقه گیرد و مقرون بصلاح دانند این شور با او به میان گذاشته شود که آیا تکلیف دولت علیه در این باب چیست تا چه درجه می‌توان ایستادگی کرد راه چاره کدام است شاید او باقتضای بصیرت و آگاهی تدبیری نماید که بر عقیده و رأی چاکران چیزی افزوده شود علی‌العجاله آنچه بنظر قاصر این بندگان رسیده این است که يك مجلس در کمال معقولیت و نرمی با وزیر مختار روس گفتگو شود باین طور که دولت علیه اگر خواهش حضور کشتی‌های روس را کرد موافق کاغذی که بالفعل موجود است بطرز امانت بود یعنی

دراختیار این دولت به تنبیه ترکمان‌های یاغی پرداخته مراجعت نماید آمدند و اقامت کردند حالا دولت علیه نمیگوید که برطبق همان قرار اول باید مراجعت نمایند لکن این حق دولت علیه واضح است که باید حضور کشتی‌ها اگرهم مایه نظم آن صفحات نشود لااقل براغتتاش و بی‌نظمی نیز فزاید حالا بواسطه این مداخله‌ها مستقلانه که در یابیگی روس در کار ترکمان‌های تبعه این دولت می‌کند بعدی که نمی‌خواهد قول و رای حاکم ولایت را در حق رعایای مطیع خود اینقدر اعتبار گذارد که توانند بتصدیق او در فرضات استرآباد آمد شد و کاسبی نمایند و آنها را در ساحل و خشکی این دولت توپ می‌زنند بدیبهی است که اصلا نظم در کار آن صفحات و استقلال برای حاکم باقی نمی‌ماند پس اقلا در خصوص ترکمانها به دو وجه عمل نمایند آنها که خدمت بدولت می‌کنند و حاکم ولایت مسلط بر آنهاست و متمهد خیر و شر آنها می‌تواند شد مثل اغورجلی و جعفر بای و غیره متعرض آنها نشود و قول حاکم را در حق آنها معتبر بدانند و آنهایی که از استرآباد قدری دور دست هستند و حالت رعیتی و خدمت آنها به آن درجه نرسیده است که حاکم متمهد اعمال آنها شود وقتی که بابلیط ریش سفیدان خودشان آمد شد می‌کنند در یابیگی امضای گماشته حاکم را در بلیط آنها با امضای خود لازم شمارد طوری نشود که آنها حاکم دولت را به هیچ وجه محل احتیاج خودشان ندانند و انواع هرزگی را نمایند و اگر وزیر مختار متقاعد باین حرفها نشد و در اصرار خود باقی ماند آنوقت قراری داده شود و نوشتجاتی با شرایط که حق تملك دولت را در آن ملك و مردم باقی گذارد در میان طرفین مبادله شود که در یابیگی بلیط را تنها بدهد لکن متمهد جمیع هرزگیهای ترکمان باشد.

در باب سینه استرالیه حسب اللمر اللیغ معترشه به بعد اینج کاران منظره است
 نشسته غمزه نام در طرف کار غمزه صمد خندت خود را مرض حضور یک رسیده
 از اینج حرات بعضی نمایند در درسه روز تو الی سبع اشکات متعلقه با کار از دور
 در بنا آمدن کشتهای حی که روس بر برای استرالیه است تا حال بقصد خوانده شد اوله
 حاجت رسیده آقا هم کشتهای در ادقات برش و یکیری ترکمانها از دست روس
 بطور امانت خواسته است در روز کشتهای است علیه تخته ترکمانهای ایران
 نماید آنها کشتهای را فرستاده اند و بنا بر اوقات در آنجا کشته شده بعد تصرف عاود راه
 اقله اند بر از آنکه در دست مفت بخال روس و حضرت این کار شده کاغذ لغات
 روس و بطریق نوشته در جهت کشتهای ربط به کرده از هر دو بهای که بقدر امکان
 مضایقه کرده اند یک جواب در یک از کاغذها بعد از بطریق و در اینج لغات
 یک از کتبی مختصر رسیده بر این مقصود در دست صاحب نامه است در اینج کار
 و اگر کار کار آنها افزوده است اما یک فایده از اینج جهت نظر کاران
 در کاران سخنها بودند بر مقصود در درها در استرالیه را که بر اینها از اینج
 اینهمه کاغذها از روز اول به کتبی جمعا در کتبی مطبوعه رود بدل شده است
 از اینج جهت علیه خواسته اند روی در کار کتبی مطبوعه تصرف نمایند که این کتبی
 بر هر دو تعداد افزوده که در اینج کار که هر چند از اینج بطران کار
 یک کاغذ کتبی به هر دو آقا و با صاحب کتبی لغات قرآن در ضمیمه خواست
 در کتبی کار خود را در اینج به اندر اینج طرف هم در جهت که از کاغذ مضایقه شده است

کفر و عقود و دهنایم است در تا در قوه دلند دست از این کار نخواهند بردست که از اینجا
 در نیت آن از حقوق است صرف نظر نمود بنظر کاران چنین میسر شد که مفسد مخفی وقت زود
 بر زمین صاحب خلاصت است اگر برای جهان این قریب علی حدت کرد و نمودن اصلاح
 این نور با دین آن گرفته شود در کلفت است علیه در این حالت تا چه در این
 است و کما تصور را لا حاره کرام است شایه ادا بقضای بصیرت و انکار تری نماید
 بر عقیده در ای کمال خبری افزوده شود تا ایامه آنچه بنظر قاضی بر بکان رسیده این است
 که یک مفسد در کمال عقولیت در این در می رود که کفر و کفر با هر طور در است علیه
 کفر و مفسد خسته شده ای روس لا کرد موافق کاغذ در لغیر موجود است بطور آنست
 لغیر در دستار منزه است بینه رکابهای غیر در دست مرامت نماید که در دوا قاتل علیه
 حاکم است علیه مکتوب در طبع بیان قرار اول به در حجت نماید که این حق است علیه
 واضح است که باید حضور گفته که با نظم اصفیات نمود در این زمینش و در نظر غایب
 حاکم در نظم این امر است عقیده در در یک روس در کار رکابهای تبعیه است میکند کمی
 در نیت او در ای حکم و دست رادرجی رعایای مطیع خود بقدر اعتبار رکازند در نیت
 در فرضیات بر آنگاه آمده و کارنامه و آنها را در جرح است است بینه بر
 چه با نظم در کار اصفیات و عقول کفر حاکم با آن نمایند پس اعد در ضمن رکابها به در غیر
 آنها در خدمت بردت مکنند و حاکم و دست سلط بر آنها است و تبعیه خرد در آنها در نیت
 مستر اغرض و جوهر با غیر مقرر آنها نمود و قول حاکم رادرجی آنها معتبر بله و آنها به در از آنگاه
 قرار در دست است و حالت غیر نیست آنها بان در بر نیت است حاکم مفسد حال آنها
 در قوه بطور این نیت آن خوردن آمده مکنند در یک اضران حاکم رادرجی آنها با اضران
 نظم کار در عطف نمود که آنها حاکم است را بهیچ وجه نتوان نیت و از این نظر که را آنگاه

تذکرہ صحابہ کرام

مگر در محراب تعابد بنام فرخنده در صحرای خود میماند از وقت قنقار طلوع کرد و بجای بر آمد
در حق گفت که است را در آن تک و مضم به کرد در میان جوفین بلبله بود در میان
بیت را آنها به هر یک از آنها به سبب از کجا بر تاجان می

صفحه سوم سند شماره ۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۴

وقت کاغذگاه مدرسه بهخیه کم

سند شماره ۴ لایحه صورت مجلس اجلاس نمایندگان رسمی دولت روسیه با دولت ایران در مورد مسائل سرحدی مورد اختلاف بین دو دولت در سال ۱۳۰۰ ه ق می باشد این اجلاس در باغ سعدآباد منزل بیلاقی میرزا سعیدخان وزیر دول خارجه وقت تشکیل یافته وعمده مطالب مورد بحث تعیین خط مرزی ثابت مطابق عهدنامه بوده است علاقه میرزا سعیدخان این بود که اول مصب رود اترک تعیین شده تاوضع محل حسینقلی معلوم گردد که مالکیت آن با کدام دولت است و از طرفی بخشش بی چون وچرای بقول خودشان (تکه زمین خالی از سکنه و بی آب و تماماً تل و ماهور که بهیچ وجه مثمر ثمر نیست) بدولت روسیه است که معلوم نشد این حاتم بخشی حضرات به چه نحوی در تاریخ ایران تعبیر و تأیید شده است.

لایحه صورت مجلس اجلاس ۲۹ اوغوت ۱۸۸۳ مسیحی

مطابق ۷ ذی قعدة الحرام سنة ۱۳۰۰

بعد از نگارش و مبادله مشروحات مابین جناب جلالت مآب میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه اعلیحضرت شهمریار دولت علیه ایران و جناب جلالت مآب مسیو ملین کوف وزیر مختار و ایلچی مخصوص اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه راجع باقتدار و تکالیف مأموریت مأمورین سرحدی که از جانب دولتین علیتین معظمتین ایران و روس برای تعیین خط سرحدی به مدلول عهدنامه منعقد در نهم ماه دکا بر سنه ۱۸۸۱ مطابق ۲۹ محرم سنه ۱۲۹۹ معین شده اند چون ضمناً جناب جلالت مآب وزیر مختار روس از جناب جلالت مآب میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه اظهار کرده بودند که مجلسی نقشه ای را که مهندسین روس در سنه، ماضیه کشیده اند و مصحوب

عالیجاه سرکار پولکونیک بجناب وزیر مختار ونسخه آن بتوسط وزیر مختار بجناب وزیر امور خارجه صادر شده بود با حضور خودشان و مامورین طرفین بافصل اول عهدنامه مقابله نمایندوزیر امور خارجه نیز نظر به تعلیمات از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت ولینعمت همایون خودقبول و اظهارمزبور را کرده بودند باین جهت در ۲۹ ماه اوغوست سنه ۱۸۸۳ مطابق هفتم ذی قعده ۱۳۰۰ در باغ سعدآباد منزل بیلاقی جناب میرزا سعیدخان وزیر مهام خارجه حضور بهم رسانیدند در آن مجلس پس از مذاکره با مامورین طرفین فقرات ذیل را که حاصل مذاکرات آن مجلس بود مناسب دیدند که بقید تحریر درآورده مبادله نمایند تا مامورین طرفین در هنگام اشتغال بعمل مقتضیات آن را نیز پیشنهاد خاطر داشته باشند. اول به مامورین معزی الیهما بموجب اذن از جانب دول متبوعه معظم ایشان اجازه و رخصت داده شد که شروع به تعیین خط سرحد از نقطه آخری مشرق یعنی از بابا دورمز بکنند زیرا که بنا باظهارات خود مامورین برای ایشان بهتر آن است که قبل از فصل زمستان در جبال و جاهای سخت مشغول شوند که اوقات زمستان در کوهها و جاهای سخت کار برایشان مشکل گردیده اسباب صدمه و زحمات کلی خواهد بود.

دویم چون در زمان مقابله نمودن نقشه سرحدی بامندرجات در عهدنامه منعقد مورخه نهم دکا بر سنه ۱۸۸۱ مطابق ۲۹ محرم سنه ۱۲۹۹ که عالیجاه مجدت و فخامت همراه [ناخوانا] صاحب مسیو غریغروویچ مترجم اول سفارت دولت بهیه روسیه از روی فصل اول عهدنامه فقره به فقره قرائت کرده مقابله بانقشه می شد بنظر آمد که خط سرحد از بابادورمز رو بمغرب الی منتهای سرازیری قله آخری کوه سنکوداغ مطابق با عهدنامه مزبوره کشیده شده است

لهذا قرار شد که مامورین معزى اليهما بعد از آنکه در حین عمل نیز خط مزبور را کلیتاً مطابق و موافق با عهدنامه مزبور در مذاکره یافتند همان طور معین و برقرار دارند مگر محلی که در نزدیکی محال گلته چنار که خط سرحد باید به مدلول عهدنامه میمونه از دور شمال آنجا گردیده وصل بخط سرحد شود طرفین دقت های لازمه خود را حقاً بعمل آورند .

(در اینجا میرزا سعیدخان وزیر دول خارجه وقت که خط بسیار زیبایی نیز داشت اصلاح کرده و چنین نوشته است)

بطوریکه اشکالات و شکایات اهالی گلته چنار از بابت زمین و خاک و اهالی آخال از بابت آب بحسن حقانیت و انصاف مامورین طرفین بکلی برطرف و نابود شود و خط سرحدی را از روی این مقصود از شمال آنجا موافق عهدنامه دور داده بخط سرحد وصل نمایند .

و در همانجا خط سرحد را از روی عهدنامه و حقانیت بالسویه بطوری بکشند که منشأ آن اشکالات بکلی برطرف و نابود گردد و اگر چنانچه فیما بین اتفاق و موافقت نباشد باید وضع حالیه آنجا را بطوریکه قبل از مفتوح شدن خاک آخال تکه بدست قشون روس برقرار و معمول بوده است بهمانطور در کشیدن خط سرحد منظور و مقرر دارند و اگر لازم شد بجهت توضیح مراتب مزبوره از اهالی و سکنه سرحدی طرفین نیز لازمه تحقیق و استعلام را بنمایند و اگر احیاناً باین طورها ختم نشد آن وقت مامورین طرفین ناچار باید هر یک دلائل خود را بوزارت خارجه ایران و سفارت روس نوشته و بخط دیگر مشغول و برای محل اشکال منتظر دستور العمل باشند .

سیم چون خط سرحدی کشیده شده در نقشه بواسطه مسافت واقعه ما بین چات الی قلل کوه سنکوداغ با مندرجات عهدنامه مزبوره

فی الجمله تفاوت دارد یعنی از چات مستقیماً بقلل سنکو داغ نرفته بلکه از مجرای رود اترک سر بالا تا دامنه سنکو داغ می‌رود و باین جهت تکه زمینی که میانه اترک و خط سرحدی در عهدنامه می باشد بشمال خط سرحد می افتد از آنجائیکه این تکه زمین خالی از سکنه و بی آب و تماماً تل و ماهور غیر قابل آبادی است و بهیچ وجه مثمر ثمر و فائده نیست .

اگر دیدند از برای دولت علیه ایران ضرری ندارد که این جزئی زمین در شمال خط بماند مأمور دولت علیه ایران از روی بصیرت با اختیاری که دارد مضایقه نکند که در همانجا هر چه بتوانند خط سرحد را بخط سرحدی طبیعی نزدیکتر بکشند و الا عهداً اختیار برای او باقی خواهد بود.

چهارم - بموجب عهدنامه منعقد مورخه نهم دکار سنه ۱۸۸۱ مطابق بیست و نهم محرم الحرام سنه ۱۲۹۹ خط سرحد از چات الی حسینقلی مجرای رود اترک می باشد و نظر به اینکه مصب و دهنه رود مزبور بمرور ایام گاهی از ریگ پر میشود باین جهت در نقشه‌ها صورت صحیح کشیده نشده تا تحقیقاً تعیین شود که آیا حسینقلی در شمال مصب رود اترک واقع است یا در جنوب مصب رود مزبور لهذا بامورین معزی الیها سفارش و سپرده میشود که وضع مجرای واقعی اترک را در همانجا موافق دلایل حقه و اطلاعات مکتسبه رسیدگی و تحقیق نمایند که از روی حقیقت و واقع خط سرحدی که می کشند با خط سرحدی طبیعی همتا و قرین باشد یعنی تا مجرای واقعی اترک و مصب آن بدریا که تعلق حسینقلی بیکی از دولتین معظمتین دائر به آن است تحقیقاً معین و سبب رفع اشکال مابین دو دولت قوی شوکت همجوار باشد مگر اینکه مأمورین در این ماده نیز احیاناً محتاج رجوع بدول متبوعه خود باشند.

در حضرت مجلس صدکس ۲۹ ادرخت ۱۸۸۳ محرم مطبق ماه رمضان ۱۳۰۲

مورد کاش و مدد شریعت این را بر می خواند زیرا در ظاهر حضرت شهریار صلوات الله علیه و آله و سلم در کتب معتبره
حضرت پیران در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره
حضرت صدر مدلل عهد نهفته در ماه دگر ۱۸۸۱ مطبق ۲۹ محرم ۱۲۹۹ این چنین که حضرت در کتب معتبره در کتب معتبره
حضرت در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره
حضرت در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره
حضرت در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره
حضرت در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره
حضرت در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره

موضوع که کمال است در حضرت آن از کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره
اول کار در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره
دو بار در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره
رسان در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره
تیم در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره
ترجم اول حضرت در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره
در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره
سین در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره
در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره
م طبع در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره در کتب معتبره

در تاریخ ۱۲۹۹
 در تاریخ ۱۳۰۰

یکصد و پنجاه و هفت
 سی و هفت و هفتاد
 سی و هفت و هشتاد
 سی و هفت و نوداد
 سی و هفت و صد

یکصد و پنجاه و هفت
 سی و هفت و هفتاد
 سی و هفت و هشتاد
 سی و هفت و نوداد
 سی و هفت و صد

یکصد و پنجاه و هفت
 سی و هفت و هفتاد
 سی و هفت و هشتاد
 سی و هفت و نوداد
 سی و هفت و صد

یکصد و پنجاه و هفت
 سی و هفت و هفتاد
 سی و هفت و هشتاد
 سی و هفت و نوداد
 سی و هفت و صد

یکصد و پنجاه و هفت
 سی و هفت و هفتاد
 سی و هفت و هشتاد
 سی و هفت و نوداد
 سی و هفت و صد

یکصد و پنجاه و هفت
 سی و هفت و هفتاد
 سی و هفت و هشتاد
 سی و هفت و نوداد
 سی و هفت و صد

یکصد و پنجاه و هفت
 سی و هفت و هفتاد
 سی و هفت و هشتاد
 سی و هفت و نوداد
 سی و هفت و صد

یکصد و پنجاه و هفت
 سی و هفت و هفتاد
 سی و هفت و هشتاد
 سی و هفت و نوداد
 سی و هفت و صد

یکصد و پنجاه و هفت
 سی و هفت و هفتاد
 سی و هفت و هشتاد
 سی و هفت و نوداد
 سی و هفت و صد